بحران کمبود مهمات و تسلیحات رژیم را به سمت اقدامات کیفی سوق داده است

ارتش قراضه

سیدمهدی طالبی
خبرنگار گروه جهان‌شهر

تل‌آویو همزمان با درپیش گرفتن سیاست صرفه‌جویی در استفاده از مهمات، درحال حرکت به سمت اقدامات کیفی است. روزنامه صهیونیستی یدیعوت آحارانوت روز دوشنبه، به نقل از یک مقام امنیتی ارشد در رژیم نوشته است: «ارتش اسرائیل در ماه اول بیش از حد از مهمات، هواگردها و توپخانه خود استفاده کرده است.» فارس نوشته در ادامه این گزارش آمده تل‌آویو با توجه به احتمال وقوع جنگ گسترده در جبهه لبنان، اکنون به سیاست «میانه‌روی در مهمات» روی آورده است.

این میانه‌روی در استفاده از «مهمات»، ابعادی در حوزه «تسلیحات» و «نیروی انسانی» هم دارد. ابوعبیده، سخنگوی گردان‌های عزالدین قسام (شاخه نظامی حماس) روز پنجشنبه (۳۰ آذر) از آسیب کلی و جزئی به ۷۲۰ وسیله زرهی رژیم در نوار غزه خبر داده بود. هرچند این وسایل علاوه‌بر تانک، شامل نفربر، خودروها و بولدوزرهای زرهی نیز می‌شود اما ضربات به تانک‌های مرکاوا غیرقابل چشم‌پوشی است. رژیم صهیونیستی ۲۲۰۰ تانک عملیاتی در خدمت دارد که اصلی‌ترین نمونه آن تانک مرکاوا مارک-۴ است که تنها ۳۶۰ عراده از آن ساخته شده است. باتوجه به شرایط پیچیده جنگ شهری در غزه، ارتش رژیم تلاش کرد از بهترین تانک خود استفاده کند که نتیجه آسیب دیدن جدی به آنها بود.

در حوزه تلفات انسانی نیز وضعیت بغرنج است. ارتش رژیم صهیونیستی در اولین آمار رسمی منتشرشده درباره ابعاد تلفات خود شامل کشته‌ها و زخمی‌ها، روز یکشنبه (۱۹ آذر)، در بیانه‌ای اعلام کرده بود از زمان آغاز جنگ، ۴۲۵ نظامی‌اش جان باخته و ۱۵۹۳ نظامی هم زخمی شده‌اند. با این حال هآرتص در همان روز در واکنش به اعلام این خبر آماری از مراجعه نظامیان به بیمارستان‌ها منتشر کرد که نشان می‌داد دست‌کم پنج هزار نظامی رژیم زخمی شده‌اند که دو هزار نفر آنها به‌عنوان معلول ثبت شده‌اند. اوایل هفته جاری نیز برخی مدعی شدند یحیی سنوار، رئیس دفتر حماس در غزه اعلام کرد پنج هزار نفر از نظامیان رژیم توسط این گروه مورد هدف قرار گرفته‌اند که یک‌سوم آنها کشته، یک‌سوم زخمی و یک‌سوم دچار معلولیت شده‌اند. یک نشانه از شدت ضربات انسانی به ارتش رژیم، عقب‌نشینی تیپ گولانی از غزه و برکناری فرمانده یکی از دو گردان رزمی آن در روزهای اخیر بود. وضعیت بحرانی مهمات، تسلیحات و نیروی انسانی باعث شده ارتش رژیم هم‌اکنون در شرایط «قراضگی موقت» قرار گیرد. پیامد وقوع چنین شرایطی عقب‌نشینی میدانی در کمیت و تلاش برای ترتیب دادن اقدامات کیفی است.

پیشینه بحث

روزنامه «فرهیختگان» پیش از این در مطلب با عنوان «فلسطین اشغالی عرصه دستخوانی از آمریکا» که در ۱۲ آذر منتشر شد به گوشه‌ای از پیامدها و زوایای بروز بحران و کمبود مهمات در سرزمین‌های اشغالی پرداخته بود. «نیاز به بمباران و گلوله‌باران چندباره» علیه مواضع مقاومت غزه، «جغرافیای وسیع جنگ» ناشی از ورود گروه‌های مقاومت منطقه‌ای به جنگ و احتمال گسترش نبردها به لبنان و همچنین «محدودیت فضای انبار مهمات» به دلیل وسعت اندک سرزمین‌های اشغالی، سه عاملی اصلی بروز بحران «کمبود مهمات» در رژیم معرفی شده بودند. در این گزارش آمده بود به دنبال وقوع چنین بحرانی آمریکا دو مسیر پیش‌روی خود خواهد داشت؛ «ایجاد کانال امن انتقال مهمات» و «ورود نظامی مستقیم‌تر» به درگیری‌ها. آمریکایی‌ها ابتدا تلاش کردند مسیر کانال انتقال مهمات را که راهی کم‌چالش‌تر بود برگزینند. کانال ۱۲ رژیم روز دوشنبه (۴ دی) با پرداختن به این موضوع گزارش کرده آمریکا با ۲۴۴ نوبت پرواز هواپیماهای ترابری و ۲۰ کشتی، بیش از ۱۰ هزار تن تسلیحات و تجهیزات نظامی برای تل‌آویو ارسال کرده است. یک نشانه دیگر از جدیت آمریکا در تقویت این کانال مبادرت دولت جو بایدن رئیس جمهور آمریکا به تخصیص ۱۴ هزار گلوله توپ برای تانک‌های مرکاوا خارج از روند تاییدی کنگره است. با این حال شدت نیاز به مهمات و بروز اشکالاتی در سیستم‌های تسلیحاتی و نیروی انسانی رژیم باعث شده ارتش رژیم هم‌اکنون در شرایط «قراضگی موقت» قرار گیرد. پیامد وقوع چنین شرایطی عقب‌نشینی میدانی در کمیت و تلاش برای ترتیب دادن اقدامات کیفی است.

ورود متهم اصلی

تهدید یمن و ایران از طریق تشکیل «ائتلاف دریایی» و صدور مجوز و کمک به رژیم برای ترور مسئول پشتیبانی محور مقاومت در سوریه و همچنین حمله به مقر نیروهای حشدالشعبی در استان بابل عراق، نشانه‌هایی از پررنگ شدن اقدامات آمریکا در منطقه هستند. حمله جنگنده‌های آمریکایی به استان بابل (جنوب استان بغداد و شرق استان کربلا)، تقریبا مقارن با حمله رژیم به حومه دمشق و به شهادت رساندن مسئول پشتیبانی جبهه مقاومت در سوریه بود. در هر دو عملیات صورت‌گرفته توسط رژیم و آمریکا، دو عنصر مدنظر بوده‌اند. از نظر این حملات در سالگرد حملات شدید آمریکا علیه مواضع مقاومت در عراق طی دی ماه سال ۱۳۹۸ صورت گرفته که تنها در یک مورد آن سردار سلیمانی فرمانده سپاه قدس و ابومهدی المهندس نایب‌رئیس حشدالشعبی به شهادت رسیدند. به‌لحاظ جغرافیایی نیز دو عملیات صورت‌گرفته یکی در نزدیکی منطقه «سیده زینب» دمشق و دیگری در مجاورت استان کربلا بوده است.

روند آتی

آمریکا در حال بیرون آورد سر خود از لانه است. به چالش کشیده شدن آمریکا در موقعیتی که افکار عمومی به دلیل جنایت صهیونیست‌ها جریحه‌دار شده، ضربه‌ای بلندمدت بر وجهه و قدرت نرم این کشور وارد می‌کند. آمریکایی‌ها با شناخت زیان‌های اقدام مستقیم علیه فرماندهان ایرانی، این بار این تحرک را با نام و نشان رژیم صهیونیستی انجام داده‌اند. این اقدام حداقل به لحاظ رسانه‌ای ورود آمریکا به درگیری کنونی را پررنگ نمی‌کند تا زیان ناشی از آن متوجه واشنگتن شود. باتوجه به نتایج اقدامات روز دوشنبه احتمال می‌رود این سیاست همچنان ادامه یابد؛ حملات آمریکا در عراق و تداوم ترور و ضربات خاص رژیم در سوریه.

آنچه می‌تواند سیاست مقابله‌ای محور مقاومت در برابر این تحرکات باشد گسترش کمی و عرصه‌ای درگیری با آمریکاست بدون آنکه شامل موارد کیفی مانند شدت آتش و گسترش تلفات‌گیری باشد. به جای حملات پرحجم به پایگاه‌های آمریکا در عراق و سوریه و تلاش برای تلفات‌گیری بیشتر اقدامات ضدآمریکایی باید به دیگر مناطق نیز کشیده شوند. افزایش تعداد حملات به پایگاه‌های آمریکا و گسترش عرصه آن به دیگر کشورها راهکاری است که می‌تواند ضربه‌ای موثر به روندی باشد که واشنگتن آن را پیش گرفته است. این رویه باید درخصوص رژیم نیز تکرار شده و حملات پهپادی به سرزمین‌های اشغالی افزایش یابد.

ابهام در زمان و مکان پاسخ ایران در واکنش به ترور شهید سیدرضی موسوی کابوس صهیونیست‌ها

ایستاده با بازدارندگی هوشمندانه

فرهیختگان

«چه باید کرد؟» این مهم‌ترین پرسشی است که از عصر روز دوشنبه -که خبر شهادت سیدرضی موسوی رسانه‌ای شد- ذهن تحلیلگران سیاست خارجی و علاقه‌مندان به مسائل محور مقاومت را به خود مشغول کرده است. این پرسش و پاسخ‌های ذهنی مرتبط با آن، در ساعات ابتدایی منجر به بروز تنش‌های لفظی بین کارشناسان و حتی مشاوران حوزه سیاست خارجی نیز شد، اما با این حال سوال چه باید کرد؟ بر زمین مانده و پاسخ قابل تاملی برای آن وجود ندارد. شاید سراست‌ترین پاسخ به این سوال در دست گروهی از اعضای بسیج دانشجویی دانشگاه‌های تهران باشد که غروب دوشنبه در برابر ساختمان شورای عالی امنیت ملی «تجمع» کردند و خواستار «انتقام» شهادت سیدرضی موسوی شده‌اند. اما آنها هم دقیق نمی‌دانند که این انتقام چگونه باید گرفته شود. در ایران عده‌ای خواهان پاسخ سریع به رژیم صهیونیستی هستند و عده‌ای نیز معتقدند این دامگه اسرائیل برای کشاندن ایران به جنگ و ناچار کردن سایر بازیگران از جمله آمریکا برای پشتیبانی از رژیم و پایان دادن به جنگ در غزه با انتقام گرفتن از سایر شاخه‌های محور مقاومت است.

درک اینکه کدام دیدگاه درست و کدام یک نادرست است، کار چندان ساده‌ای نیست. در رد هر کدام از این دو دیدگاه، استدلال‌های قرص و محکمی وجود دارد، اما پیش از آن باید چند موضوع را درنظر داشت. اول اینکه رژیم صهیونیستی روز دوشنبه موثرترین و باسابقه‌ترین مستشار نظامی ایران را ترور کرد. در اهمیت او همین بس که برخی «سیدرضی» را «سلیمانی سوریه» می‌خواندند. پیش از سیدرضی، رژیم صهیونیستی در هفته دوم آذرماه، «محمدعلی عطایی شورچه» و «پناه تقی‌زاده» دو فرمانده دیگر سپاه پاسداران انقلاب اسلامی را در حومه دمشق به شهادت رساند. سه شهید در کمتر از یک‌ماه، موضوعی نیست که بتوان به سادگی از آن چشم‌پوشی کرد به ویژه اینکه یکی از این سه شهید، «سیدرضی موسوی» است. جدا از جایگاه این سه شهید، در طول جنگ سوریه و درگیری سنگین ایران، رژیم صهیونیستی هیچ‌گاه جسارت چنین ماجراجویی‌ای را علیه فرماندهان میدانی ایرانی نداشت، اما چه اتفاقی افتاده که آنها در یک‌ماه، سه ترور را عملیاتی می‌کنند؟ احتمالا پاسخ همه طرف‌هایی که درباره سطح و زمان پاسخ ایران به این ترور، اختلاف دیدگاه دارند، در یک نقطه مشترکند و آن گرفتاری رژیم صهیونیستی در باتلاق غزه است. تل‌آویو اگرچه در حال حاضر سخت‌ترین درگیری نظامی را با مقاومت اسلامی در غزه تجربه می‌کند اما معتقد است در غزه، در شمال و حتی در یمن، آنها در حال مبارزه با نیروهای نیابتی ایران هستند. ایران البته هیچ‌گاه شاخه‌های مقاومت را به‌عنوان نیروهای «نیابتی» خطاب قرار نداده و بر استقلال آنها در تصمیم‌گیری براساس منافع‌شان تاکید کرده ولی با این حال این را نیز پنهان نکرده است که از گروه‌ها و دولت‌های مقاومت حمایت می‌کند. اسرائیل مقصر ۷ اکتبر و هلاکت بیش از ۱۱۰۰ صهیونیستی و تمام روزهای سیاه پس از آن را تهران می‌داند. از نظر آنها تهران توانست تل‌آویو را به‌راحتی وارد نبردی کند که به گفته مقامات صهیونیستی بیش از ۵۱ میلیارد دلار هزینه در بر خواهد داشت. این هزینه مادی در کنار هزینه‌های غیرقابل جبران همچون مهاجرت معکوس بیش از ۵۰۰ هزار صهیونیستی و آوارگی همین تعداد در شمال و جنوب سرزمین‌های اشغالی است. به این هزینه‌ها باید هزینه‌های افکار عمومی را نیز اضافه کرد. برای دهه‌هایی صهیونیست‌ها با مظلوم‌نمایی و کمک امپراتوری رسانه‌ای، تصویری غیرواقعی از خود ساخته بودند، اما پس از ۷ اکتبر، تمام این تصویرسازی فرو ریخت و افکار عمومی در برابر رژیم صهیونیستی صف‌آرایی کرد. با تمام این هزینه‌ها، جنگ به نقطه امیدوارکننده‌ای نرسیده و چند روز دیگر در حالی وارد چهارمین ماه می‌شود که جز تخریب خانه‌های غیرنظامیان، تل‌آویو دستاورد چندانی روی زمین نداشته است. خوشبینانه‌ترین تحلیل‌ها از این نبرد می‌گوید حدود ۲۰ درصد از توان عملیاتی حماس از بین رفته است، اما این گروه همچنان قابلیت ضربه زدن به تل‌آویو با تسلیحات پیشرفته را دارد اما معتقد است که هنوز زمان آن نرسیده که از تسلیحات پیشرفته خود بهره‌برداری کند. آنها فعلا با راکت‌های «یاسین ۱۰۵» صدها تانک و نفربر صهیونیستی را نابود کرده‌اند و بیش از چند صد نظامی را به هلاکت رسانده‌اند تا رژیم ناچار شود، دستور عقب‌نشینی تیپ گولانی، مهم‌ترین تیپ پیاده‌نظام خود را از غزه صادر کند. این شکست اگرچه به پای اسرائیل نوشته شده اما نباید فراموش کرد که فرماندهی آن با ایالات متحده آمریکاست و جدا از هزاران تن تسلیحات ارسالی به اسرائیل، مقامات آمریکایی در کابینه رژیم نیز حضور پیدا کرده و دستوراتی را برای ادامه جنگ صادر می‌کنند. بنابراین به همان اندازه‌ای که تل‌آویو در این نبرد سرافکنده شده، واشنگتن نیز بی‌اعتبار شده است. به جز غزه، آمریکا در دریای سرخ نیز فاقد ابزارهای موثر برای ممانعت از تصمیم ارتش یمن در هدف قرار دادن کشتی‌های اسرائیلی یا به مقصد اسرائیل شده است. از همین رو آنها دست به تشکیل ائتلافی زده‌اند که برخی اعضای آن مخفیانه همکاری می‌کنند و برخی دیگر نیز از آن جدا شده‌اند و در قالب ناتو فعالیت می‌کنند. در جبهه شمال نیز خط و نشان کشیدن‌ها برای حزب‌الله و ارسال ناو نیز چندان موثر نیفتاد.

تصویر باز از این میدان، به‌وضوح بیانگر ناکامی آمریکا و اسرائیل در نبرد است. در این نبرد -که پایانش ناپیداست- رژیم صهیونیستی و آمریکا هزینه سنگینی را متقبل شده‌اند و در عوض ایران و محور مقاومت، مورد توجه قرار گرفته‌اند. این را چندین درخواستی نشان می‌دهد که از سوی کشورهای اروپایی به تهران ارسال شده است. برای اروپا از آنچه تا به امروز «محور مقاومت» خوانده می‌شد، رفع ابهام شده است. آنها دریافته‌اند هر حمله به یکی از اعضای این محور، پای همه آنها را به میدان باز خواهد کرد. آنها پس از اکتبر ۲۰۲۳ با مدل یک «ناتوی منطقه‌ای» مواجه شده‌اند؛ ائتلافی که روی کاغذ ماده و قانونی ندارد اما وقتی پای عمل می‌رسد، به سرعت و با درایت، میان‌داری می‌کند.

طبیعتا در برابر این صحنه، صهیونیست‌ها مشتاقانه آرزوی گسترش دامنه جنگ را در سر می‌پرورانند تا بلکه با ورود آمریکا و احیانا برخی متحدان (انگلیس، فرانسه و آلمان) پرونده مفتضحانه آنان در غزه بسته شود، اما آمریکایی‌ها درک روشنی از تبعات این ورود ندارند و نگران روزهای پس از ورود به ماجراجویی در منطقه هستند. با این حال آمریکایی‌ها نیز بدشان نمی‌آید یک تنش کنترل شده در منطقه را فعال کنند. در سه ماه گذشته بیش از صد بار پایگاه‌های آمریکا در عراق و سوریه از سوی گروه‌های مقاومت در عراق مورد هدف قرار گرفته است. آمریکا در مقابل چند پایگاه در عراق را هدف حملات خود قرار داده است، اما با این حال همچنان عملیات‌ها علیه مواضع آمریکا در عراق و سوریه ادامه دارد.

ترور شهید سیدرضی موسوی، در مقیاس توانایی رژیم صهیونیستی آن هم در میانه جنگ فعلی نیست. اگرچه اسرائیل آرزو دارد با این اقدامات هرطور شده واکنش ایران را برانگیزاند و از این طریق محل درگیری‌ها را با کمک دیگر کشورها از فلسطین خارج کند، اما آنها در این باره تصمیم‌گیر اصلی نبودند. تل‌آویو در این جنایت پیمانکار پروژه‌ای بود که آمریکایی‌ها طراحی کرده بودند. اگر آنها چنین اختیاری داشتند و می‌خواستند پای ایران را به درگیری بکشانند، می‌توانستند محل یا مقری در سوریه را که در آن نیروهای ایرانی مستقر هستند هدف بگیرند تا تهران در اثر فشار افکار عمومی بابت شهادت چند ۱۰ نفر از نیروهایش، وارد میدان شود اما آنها بدون تایید آمریکا امکان چنین کاری را نداشتند. آن‌طور که محمد جعفر اسدی، فرمانده اسبق مستشاران ایرانی در سوریه به تسنیم گفته اسرائیل در هفته‌های گذشته نیز «یکی از مقرهایی را که سیدرضی به آنجا تردد داشت را هدف گرفته بود، اما سیدرضی در آنجا نبود.» ترور ناموفق سیدرضی درواقع هشدار آمریکایی‌ها به تهران در برابر ضرباتی بود که واشنگتن در هفته‌های اخیر در عراق و سوریه خورده بود. اگرچه ترور مقامی در سطح سیدرضی برای صهیونیست‌ها ارزشمند است اما این ترور ذره‌ای تاثیر در رهایی تل‌آویو از باتلاقی که در آن گرفتار شده، نداشته و ندارد. شاید تنها امکان موجود واکنش ایران به این ترور و به تبع آن دخالت آمریکا در مواجهه با آن بود اما این امر بدون اطلاع و هماهنگی با آمریکا امکان‌پذیر نبوده و نیست. ایران اعلام کرده است که اسرائیل برای ترور سیدرضی موسوی «تاوان» خواهد داد، اما این تاوان قرار نیست بدون محاسبه انجام پذیرد. بر همین اساس نیز در اطلاعیه سپاه پاسداران بر «زمان و مکان مناسب» تاکید شده است. ایران هیچ جزئیاتی در این باره منتشر نکرده و احتمالا نیز پس از گرفتن تاوان نیز به صورت عمومی آن را اعلام نخواهد کرد اما واشنگتن و تل‌آویو به خوبی این پاسخ را دریافت خواهند کرد. این پاسخ درحداقلی‌ترین حالت می‌بایست بازدارندگی ایران حتی در میانه جنگ‌ها را تقویت کند والا طولی نخواهد کشید که این اقدامات به یک رویه تبدیل خواهد شد. تنها تهران است که می‌تواند مسیر ماجراجویی را برای آمریکا و اسرائیل مسدود کند.

قدردانی مقاومت فلسطین از حمایت‌های شهید موسوی

جنبش حماس ضمن تسلیت شهادت سردار سید رضی و محکومیت این جنایت، از حمایت‌های وی از مقاومت فلسطین قدردانی کرد.
جنبش مقاومت اسلامی فلسطین (حماس) شهادت سردار سید رضی موسوی از مستشاران سپاه پاسداران انقلاب اسلامی در سوریه را تسلیت گفت و آن را یک جنایت و تجاوز بزدلانه و نقض فاحش حاکمیت یک کشور عربی عنوان کرد.
به گزارش فارس، حماس با اشاره به اینکه این اقدام نشانگر زورگویی و جنایتکاری صهیونیست‌هاست، گفت: «اسرائیل همه قوانین و عرف‌های بین‌الملل را نقض کرده و امنیت و ثبات منطقه را تهدید می‌کند. به همین دلیل باید منزوی شده و تروریسم آن نیز جرم‌انگاری شود.» مقاومت اسلامی فلسطین ضمن تسلیت شهادت سیدرضی به سپاه پاسداران، خانواده وی و ملت ایران، خاطرنشان کرد: «ما از نقش این شهید در حمایت از مقاومت فلسطین قدردانی کرده و تاکید می‌کنیم که جنایت دشمن صهیونیستی باعث نخواهد شد اراده ملت ما و امت اسلامی در هم شکند و شعله مقاومت خاموش شود.»
جنبش حزب‌الله لبنان هم شهادت سردار سید رضی موسوی از مستشاران نظامی باسابقه سپاه پاسداران انقلاب اسلامی در سوریه را تسلیت گفت و تاکید کرد، این جنایت به پرونده سایر جنایات صهیونیست‌ها اضافه می‌شود و این مساله، تجاوز آشکار و بی‌شرمانه به شمار می‌رود. حزب‌الله با اشاره به اینکه شهید موسوی، ازجمله حامیان حزب‌الله طی ده‌ها سال بوده است، شهادت این سردار را به حضرت آیت‌الله سیدعلی خامنه‌ای رهبر معظم انقلاب، فرماندهی سپاه پاسداران، خانواده وی و عموم ملت ایران تسلیت گفت.

اخراج ۲ دیپلمات فرانسه از باکو

تنش دیپلماتیک در روابط باکو با فرانسه افزایش یافته به طوری که روز سه‌شنبه وزارت خارجه جمهوری آذربایجان دو نفر از کارمندان سفارت فرانسه را «عنصر نامطلوب» اعلام کرد. به گزارش فارس به نقل از ترند نیوز، آن بویلون، سفیر فرانسه روز سه‌شنبه در باکو به وزارت خارجه جمهوری آذربایجان احضار و به او اطلاع داده شد ه دو نفر از کارمندان سفارت فرانسه در باکو به دلیل فعالیت‌های غیرمنطبق دیپلماتیک و مغایر با کنوانسیون وین در سال ۱۹۶۱ از سوی دولت جمهوری آذربایجان عنصر نامطلوب شناخته شدند. باکو به شدت به روابط گرم پاریس با ارمنستان معترض است و به خصوص نگران تسلیح همسایه خود به سلاح‌های پیشرفته از سوی فرانسه است. این کشور برای تقویت سامانه پدافندی موشکی خود قراردادی با فرانسه برای خرید سامانه موشکی برد کوتاه میسترال امضا کرده است.

مقایسه فلسطینی‌ها با حضرت مسیح(ع)

قانونگذار دموکرات آمریکایی در پیامی به مناسبت کریسمس، به تداوم جنایات صهیونیست‌ها علیه فلسطینی‌ها تاخت و حضرت مسیح(ع) را با مردم فلسطین مقایسه کرد. به گزارش ایسنا، الکساندریا اوکاسیو-کورتز، نماینده جناح ترقی‌خواه کنگره آمریکا در پیامی در شبکه اجتماعی ایکس -توییتر سابق- نوشت: «در داستان کریسمس، مسیح(ع) در فلسطین امروزی، در زیر تهدید حکومتی که درگیر قتل عام بیگناهان بود، به دنیا آمد.» به گزارش فاکس نیوز، او افرادی را که بیش از ۲۰۰۰ سال پیش در زمان رومیان در این منطقه زندگی می‌کردند، با فلسطینی‌ها مقایسه کرد. اوکاسیو-کورتز افزود: «عیسی مسیح بخشی از یک جمعیت هدف بود که کشته شدند فقط برای اینکه قدرت یک رهبر ستمکار حفظ شود.» او اضافه کرد: «جامعه مسیحی در بیت‌لحم جشن‌های شب کریسمس امسال را به دلیل ترس از امنیت و همچنین به نشانه احترام لغو کرده است.»

اخراج نیم میلیون افغانستانی از پاکستان

رسانه‌های پاکستانی گزارش داده‌اند در جریان اخراج اجباری مهاجران افغانستانی از این کشور، در دو روز اخیر دو هزار و ۵۷۳ نفر به افغانستان بازگشته‌اند. به گزارش ایرنا خبرگزاری صدای افغان (آوا)، رسانه‌های پاکستانی اعلام کرده‌اند که از آغاز روند بازگرداندن مهاجران غیرقانونی تاکنون ۴۴۸ هزار و ۶۷۰ شهروند افغانستانی به سرزمین خود بازگشته‌اند. به گزارش رادیو پاکستان، در دو روز اخیر دو هزار و ۵۷۳ نفر به افغانستان بازگشته‌اند. پاکستان در ماه اکتبر (مهر-آبان) به مهاجران غیرقانونی، از جمله ۱٫۷ میلیون شهروند افغانستانی مهلت داد که این کشور را ترک کنند و گفت در غیر این صورت اخراج می‌شوند. بازگشت و اخراج مهاجران از پاکستان همزمان با رسیدن فصل سرما ادامه دارد. این موضوع وضعیت بحرانی حقوق بشر در افغانستان را وخیم‌تر کرده است.